ایران

- سال بیستم
- شماره ۵۸۱۷
- دوشنبه
- ۲۴ آذر ۱۳۹۳
- ۲۲ صفر ۱۴۳۶

editorial@iran-newspaper.com

صاحب امتیاز: خبرگزاری جمهوری اسلامی

مدیرمسئول: محمدتقی روغنی‌ها
سردبیر: محمد نوری
نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴
تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰
روابط عمومی: ۵-۸۸۷۶۹۰۷۴
نشانی: تهران - خیابان خرمشهر- شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵
امور مشترکین (آبونمان): ۶-۲۲۲۲۲۴۳۵ و ۹-۲۲۲۲۴۳۳۸
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ - روابط عمومی روزنامه ایران

چاپ: افست. بانک ملی
چاپ همزمان اصفهان (رسانه برتر)
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:
دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران - خیابان خرمشهر - شماره ۱۶
تلفن: ۴-۸۸۵۰۰۶۰۱
پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷
مؤسسه شهرستانها و توزیع: ۲۲۲۲۲۲۹۸-۲۲۲۲۲۲۴۸

سخن روز

پیامبر اسلام(ص):
دل‌ها اسیر آن کسی است که به آن محبت و نیکی کرده است.
(تحف‌العقول صفحه ۳۶)

مکاشفه

شما فربه شده‌اید؟

کارشناسان پیش‌بینی کرده‌اند که ایرانی‌ها در دهه آینده چاق‌تر می‌شوند. این دوستان معتقدند شهرنشینی، کاهش فعالیت فیزیکی، افزایش مصرف غذاهای پرکالری و شیوه زندگی صنعتی از عوامل عمده خطر چاقی محسوب می‌شوند که خود از مهمترین علل مرگ و میر ایرانیان است. عموجان دلواپس ما هم اعتقاد دارند همه اینها تقصیر دولت اعتدال است! چرا اون وقت عموجان؟ می‌فرمایند: «به هر حال اینکه سبد کالا با کلی خوراکی چرب و چیلی به مردم بدهند و یارانه نقدی همچنان به همه ایرانی‌ها پرداخت شود، موجبات تنبلی و چاق شدن مردم را فراهم می‌کند. واقعا دولت به فکر سلامت مردم نیست؟» والله درباره این استدلال که چه عرض کنیم اما به اعتقاد ما تنها کسانی که همچنان قابلیت فربه شدن دارند، دوستانی هستند که بدهی‌های بانکی نجومی دارند و عین خیال‌شان نیست. عموجان فوری بل گرفتند: «خب منتشر کنید. مگر چه مرگ‌تان است؟ چلاقید؟» ما طوری‌مان نیست. البته قائم مقام محترم معاونت نظارت مجلس فرموده‌اند: «غیرت انتشار لیست بدهکاران بانکی را نداریم.» اما خب منتشر شدن اسامی بدهکاران که به همین راحتی‌ها هم نیست. کشور حساب و کتاب دارد. همین جوری که نمی‌شود فهرست اسامی را چپاند در جیب کاپشن و هی با جیب کاپشن مانور داد.

عموجان خشمگین شده و غریدند: «خب به جهنم. کاپشن‌تان جیب ندارد. یارانه نقدی را چرا می‌دهید. هیچ نگران فربه شدن مردم نیستید؟ هیچ دغدغه سلامت ایرانی‌ها را ندارید. والله بالله تالله اگر همین‌جوری یارانه بدهید، مردم نقرس می‌گیرند!» اولا که یارانه نقدی محصول دولت قبل است. دولت اعتدال تنها در حال ادامه مسیر و اصلاح وضعیت است. در ثانی نگران نباشید؛ با توجه به انفجار تورم و گرانی که در سال‌های قبل رخ داد، با مبلغ فعلی یارانه نقدی کسی نقرس که هیچ ثقل سرد هم نمی‌گیرد. عموجان طعنه زدند: «خب خیلی ناراحتید؟ یا یارانه را زیاد کنید یا یارانه فربه‌ها را قطع کنید. چرا به همه مردم اعم از چاق و لاغر یکسان یارانه می‌دهید. احتمالا هدف‌تان این است که لاغرها هم چاق شوند و بعد گردن دولت قبل بیندازید که با یارانه موجب فربه شدن مردم شده‌اند.» خب فرمایش شما متین! هر چند که جناب مصری وزیر رفاه دولت نهم هم اعتقاد دارند: «با یارانه نقدی که در این سال‌ها به همه مردم پرداخت شد، می‌توانستیم ۲۵ پالایشگاه ۱۵۰ هزار بشکه‌ای در کشور احداث کنیم.» اما خب ظاهرا یارانه نقدی تنها خرج رسیدن پول نفت سر سفره‌های مردم شد و بس. عموجان زیر لب غرولندی فرموده و گذشتند...

دریچه

جلال مقامی در خانه

جلال مقامی از گویندگان با سابقه و پیشکسوت تلویزیون که هفته گذشته به خاطر مشکل در تکلم راهی بیمارستان شده بود، اکنون در منزل در حال استراحت است و حالشان خوب است.
رضا حضرتی - خواهرزاده جلال مقامی - حال عمومی این دوبلور قدیمی را رضایت‌بخش توصیف کرد و گفت: پنجشنبه - ۲۰ آذر ماه - آقای مقامی از بیمارستان به منزل منتقل شدند و در حال حاضر تحت نظر هستند و خدا را شکر حالشان نسبت به هفته گذشته خیلی بهتر است.

نگاره

اردشیر رستمی

باید مراقب خیلی چیزها باشیم، چیزهای زیادی بی‌آنکه بدانیم، به ما کمک کرده‌اند.

چهره خبر

درباره انوشیروان ارجمند که دیروز درگذشت

دیگر نیست که به نقش‌های سخت جان دهد

بهمن عبداللهی

انوشیروان ارجمند هم رفت و به قافله درگذشتگان هنر این سرزمین پیوست. او دیگر نیست تا به نقش‌های سخت جان بدهد، اما یادگار بازی در لباس شخصیت‌هایی همچون «اشعث بن قیس» در سریال امام علی(ع)، «رفاعه بن شداد» در سریال مختارنامه، «خان خله» در روزی روزگاری و... در ذهن مخاطبان تلویزیون باقی مانده است. زنده‌یاد ارجمند در سینما هم نقش‌های مکمل زیادی را بر نگاتیو ثبت کرد، از بازی در نقش بزرگ عشیره قین در «دوئل» گرفته تا «قاعده بازی»، «محیا»، «کیفر» و ده اثر دیگر، همچنان حضوری جدی جلوی دوربین داشت و به همان کیفیت که بر صحنه ظاهر می‌شد انرژی می‌گذاشت. خلق و خوی متین و گفتار وزینش هم از تئاتر می‌آمد. او بیش از سینما و تلویزیون در صحنه شهرت داشت و سال‌ها پیش از بازی در فیلم سینمایی«گفت زیر سلطه من آبید» به کارگردانی برادر کوچکترش داریوش، در صحنه‌های تئاتر مشهد کار کرده و راه به تهران کشیده بود. یقیناً بازی او در نقش راهب نصرانی «خورشید کاروان» از یاد کسی نرفته است.

نخستین بار که از نزدیک دیدمش، برای گفت‌وگو به روزنامه ایران آمده بود، همان روزهایی که بازی قدرتمندش در سریال میرباقری چهره و توانایی‌اش را در معرض قضاوت عمومی گذاشت. از بازی در نقش اشقیا گفت و یاعلی گویان رفت. بعد از آن هر بار به بهانه‌ای تماس می‌گرفتم، با سعه صدر سخن می‌گفت و مثل یک استاد جامعه‌شناس مسائل را حلاجی می‌کرد، بدون شک نگاه تیزبینش را از زندگی در میان همین مردم گرفته بود. مرحوم ارجمند، زاده ۱۳۲۰ خاش زاهدان، تئاتر را از دهه ۵۰ در مشهد آغاز کرد و با مهاجرت به تهران از نیمه دهه ۶۰ تا همین اواخر در نمایش‌هایی همچون «سرشت دردناک زندگی»، «رستم و سهراب»، «سوگنامه اسفندیار»، «امشب می‌خواهم بمیرم» و «هرا» با کارگردانانی همچون دکتر محمود عزیزی، پری صابری، امیر دژاکام، نصرالله قادری و... همکاری کرد. در این سال‌ها بارها به جوایزی همچون جایزه بازیگری جشنواره تئاتر فجر، آیین سنتی و جشن منتقدان دست یافت. او در عین حال در سینما هم به ایفای نقش پرداخت و در قاب تلویزیون برای سریال‌هایی همچون امام علی(ع)، روزی روزگاری، تفنگ سرپر، سایه سکوت، فرار بزرگ، میعاد در سپیده دم و... جلوی دوربین رفت. انوشیروان ارجمند ظهر دیروز بر اثر ایست قلبی درگذشت. او اوایل آذر ماه امسال به بیمارستان پارسیان تهران منتقل شده بود و از همان زمان در بخش آی‌سی‌یو بستری شد. در روزهای گذشته با تلاش پزشکان رگ گرفته شده قلبش باز شد اما به دلیل سابقه بیماری ریوی، ناهنگام چشم بستن از دنیا در بیمارستان پارسیان بستری بود. دیروز ظهر خبر رفتنش رسانه‌ای شد، بدون شک جامعه هنری غمگین شده و سایه دین او بر گرده اهالی هنر سنگینی می‌کند. ظاهرا پاییز امسال به خزان هنرمندان بدل شده است. «رفتن» راه هنرمند است و انوشیروان ارجمند هم به سوی معبود رفته است. یادش گرامی.

نمایشگاه

مرور نقاشی‌های بهرام دبیری در زادگاهش

نمایشگاه مروری بر آثار نقاشی بهرام دبیری روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه در گالری وصال شیراز برپا خواهد شد. بهرام دبیری هنرمند نقاش در گفت‌وگو با مهر با اعلام این خبر گفت: بعد از ۲۲ سال قرار است نمایشگاهی از آثارم را در زادگاهم شیراز برپا کنم که این نمایشگاه مروری بر آثار ۲۰ سال گذشته‌ام خواهد بود. وی افزود: در کنار برپایی این نمایشگاه و سخنرانی، دو فیلم از زندگی و آثار من نیز به نمایش درخواهد آمد. به گفته این هنرمند، این نمایشگاه شامل ۲۰ اثر از دوره‌های مختلف کاری او طی ۲۰ سال گذشته است که روز پنجشنبه ۲۷ آذرماه در گالری وصال شیراز گشایش خواهد یافت.

یادبود

در سوگ انوشیروان ارجمند

نماینده رنج‌ها و شادی‌ها

حجت‌الله ایوبی

«هنرمند واقعی از بطن جامعه برمی‌خیزد و در تلاطم زندگی رنج‌ها و شادی‌های مردم را بر دوش می‌کشد. به همین دلیل سخن گفتن از هنرمند بزرگ و مو سفید کرده‌ای همچون «انوشیروان ارجمند» کار ساده‌ای نیست. بر این باورم که استواری فرهنگ و هنر این سرزمین وامدار پایداری هنرمندانی چنین است. زنده یاد ارجمند در طول چند دهه بازیگری به همان نسبت که نقش‌ها را ماندنی و تصاویر بدیعی بر نگاتیوهای سینما ثبت کرده، در دل میلیون‌ها مخاطب تلویزیون نیز جاودانه شده است. یقینا هنرمندانی همچون داریوش ارجمند، برزو ارجمند، امیریل ارجمند و باقی بازماندگان در این خانواده هنرمند پرور راهش را دنبال خواهند کرد.»

وقتی «خوبی» کم می‌آورد

رضا رویگری

شاید واژه خوب و خوبی برای زنده یاد انوشیروان ارجمند ناچیز و کم باشد چراکه او هنرمندی شایسته، انسانی متعهد و همکاری والا بود. زنده یاد انوشیروان ارجمند، هنرمند و بازیگر بزرگ مشهدی، از جمله افرادی بود که هیچگاه نه وارد حاشیه شد و نه برای کسی حاشیه‌سازی کرد، با وجود اینکه با او رفت و آمد خانوادگی نداشتم اما به یاد دارم که در پشت صحنه مجموعه تلویزیونی «مختارنامه» و بخصوص در اتاق گریم که ساعت‌ها با هم بودیم، چقدر فرد محجوب و دوست داشتنی ای بود. این والامقام در طول عمر هنری‌اش کارهای ماندگار و زیبایی را خلق و ماندگار کرد که نقش «رفاعه ابن شداد» در «مختارنامه» یکی از آنهاست. او نقش‌ها را بخوبی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌داد و کارش را بسیار حرفه‌ای پیش می‌برد و کاراکترها را بخوبی هرچه تمام به مخاطب نشان می‌داد.

پیر و مرشد

پرستو صالحی

انوشیروان ارجمند برای من فقط یک استاد یا همکار نبود. من از کودکی با دختر ایشان بهار دوست بودم و به منزل‌شان رفت و آمد داشتم. همواره او را عمو انوش صدا می‌کردم چرا که خودم پدرم را از دست داده بودم و عمو انوش پدرانه در سخت‌ترین شرایط کنارم بود و از من حمایت کرد. او انسانی با روحی بزرگ و بسیار مهربان و دوست داشتنی بود و برایم حکم یک استاد و پیر و مرشد را داشت. به برزو و بهار ارجمند تسلیت می‌گویم و امیدوارم خداوند صبر بدهد تا این ضایعه را تحمل کنند و به عمو انوش هم می‌گویم خیلی دوستتان دارم مثل همیشه...

عکس نوشت

میلاد کی‌مرام

۱۴ سال پس از قطع نخاع شدن، امیدوار به تأمین هزینه‌های درمان/ عکس: مهر

خیلی‌ها شبیه محمدرضا فهیمی

پدرم همیشه می‌گفت بخشیدن را یاد بگیر. این جمله به نظرم ساده می‌آمد ولی وقتی بزرگ‌تر شدم، اتفاقی درونم افتاد که فهمیدم شاید این موضوع در ظاهر جمله ساده‌ای باشد اما مفهوم بسیار پیچیده و عمیقی دارد. افراد زیادی در جامعه ما زندگی می‌کنند که شاید داستان زندگی‌شان شبیه زندگی محمدرضا فهیمی باشد و آنها را نشناسیم و افراد بسیاری هم در جامعه هستند که می‌توانند به نیازمندان کمک کنند و چیزی از ثروتشان هم کم نمی‌شود. به نظرم اگر بخشیدن را بخوبی یاد بگیریم، دنیا حتماً گلستان خواهد شد.

یک اتفاق ساده

این روزها که همه دم از استقلال می‌زنند

استقلال چیست و مستقل کیست؟

کیوان کثیریان

یکی از کلماتی که این روزها بشدت از سوی طیف‌های مختلف، چه در فرهنگ و هنر و سینما و چه در سایر عرصه‌ها کاربرد دارد، کلمه «مستقل» است. سینمای مستقل، رسانه مستقل، سیاستمدار مستقل، تهیه‌کننده مستقل، کارشناس مستقل و... عباراتی است که این روزها به کرات می‌شنویم. در اینکه اصولا مستقل بودن یک فضیلت است تردیدی نیست ولی تعاریف و تعابیر گوناگونی در شرح این کلمه وجود دارد که اساسا فهم آن را دشوار ساخته است. سؤالات پرشماری در این میانه مطرح می‌شود که طرح دوسه تا از آنها خالی از فایده نیست.

■ **یک.** آیا مستقل کسی است که با پول شخصی و جیب خودش کار می‌کند؟

در شرایط فعلی و با احتساب هزینه‌های یک روزنامه یا یک فیلم آیا می‌شود باور کرد که کسی مثلا ماهانه یک میلیارد پرداخت کند تا روزنامه دربیاورد و با این اوضاع خراب شمارگان و فروش و آگهی، عملاً بازگشتی هم نداشته باشد؟ یا یک میلیارد هزینه کند و یک فیلم بسازد که با این وضعیت گیشه، نتواند حتی یک چهارم هزینه‌اش را هم دربیاورد؟ با قاطعیت می‌گویم که هیچ جیب مبارکی چنین توان و قدرت ریسکی ندارد مگر مبارک بودنش را از بیت المال به دست آورده باشد. البته خوب می‌دانیم که هیچ جیب کاملا شخصی توان تحمل ضررهای تولید یک فیلم متوسط سینمایی یا انتشار یک روزنامه معمولی را ندارد. در چنین شرایطی که تمام پول‌های جاری مملکت، به نحوی پول نفت است، فلان تهیه‌کننده مشکوک الحال و بهمان رسانه «زرد و زار» دائم دم از جیب مبارک و استقلال می‌زنند.

■ **دو.** آیا مستقل کسی است که با هیچ جریان یا نهاد دولتی کار نکند؟ از هیچ دولتی کمک نگیرد و با هیچ گوشه‌ای از دولت همکاری نکند؟

بر این عقیده‌ام که استفاده از بودجه و امکانات دولتی اگر مشروع و شفاف و البته عادلانه باشد اصلا اتفاق بدی نیست. مشکل اصلی آنجاست که عبارت «پول دولت» به کار می‌رود و کسی نمی‌پرسد که دولت پولش کجا بود؟! این بودجه‌ای که در اختیار دولت است و از محل فروش نفت یا مالیات یا هرچیز دیگری به دست می‌آید، «پول ملت» است، نه پول دولت. بالاخره بخشی از پولی که به امانت نزد دولت قرار دارد، برای امور ملت به دست خود آنها می‌افتد. شخصا ترجیح می‌دهم فیلمی برجسته و با کیفیت بالا با کمک چندمیلیاردی دولت یا همان «پول ملت» ساخته شود تا انبوه فیلم‌های بی‌کیفیت و ضعیف، ظاهرا بدون کمک دولت. مگر یکی از مهم‌ترین وظایف دولت حمایت از بخش فرهنگ نیست؟

■ **سه.** آیا مستقل کسی است که حرف و نظرش لزوماً با هر گروه و طیف و دولتی فرق کند؟

به گمانم استقلال رأی به معنای این نیست که الزاما و اجبارا نظر و تفکر هرکس ویژه خودش باشد و مشابه احدالناسی نباشد. این الزام موجب می‌شود برخی دست به اختراع نظریات و عبارات مضحک و گاه بی‌پایه‌ای بزنند که نه قابل بحث است و نه جدی گرفته می‌شود. اینکه سعی کنیم به هر قیمت با همه افکار و عقاید مخالفت کنیم تا مستقل فرض شویم نوعی بیماری است که با مازوخیسم همراه می‌شود. مثل وقتی که دو سه دوست منتقد سینما بدون هیچ استدلال منطقی فیلم جدایی نادر از سیمین را بی‌ارزش دانستند تا میان بقیه دیده شوند و از این شنا کردن خلاف جهت شهرتی به هم بزنند و البته ژست استقلال رأی بگیرند. مجدداً تأکید می‌کنم که اگر موافقت‌ها و مخالفت‌ها از باور آدم‌ها نشأت بگیرد و با استدلال کافی همراه باشد، حتی اگر در اقلیت مطلق باشند، بسیار هم قابل ستایش است. شاید این چند سطر، گوشه بسیار کوچکی باشد از بحث گسترده‌ای که می‌تواند به عنوان یک ترم جامعه‌شناختی مطرح باشد.

خبر آخر

تور آموزشی - تفریحی برای برگزیدگان «جایزه داستان تهران»

مراسم اختتامیه جشنواره «جایزه داستان تهران» روز چهارشنبه ۳ دی‌ماه با حضور نویسندگان مطرح کشور در سالن اصلی برج میلاد برگزار می‌شود. به گزارش ستاد خبری جشنواره، در این مراسم از ۱۲ برگزیده نهایی که از میان ۴۰ اثر راه یافته به دور دوم داوری انتخاب شده‌اند، با اهدای جوایز اصلی و جنبی جشنواره قدردانی خواهد شد. هیأت داوران جشنواره متشکل از علی خدایی، محمد کشاورز، مژده دقیقی، داوود غفارزادگان و بلقیس سلیمانی داوری و انتخاب ۱۲ اثر برگزیده نهایی را برعهده دارند. همچنین روزهای پنجشنبه و جمعه، ۴ و ۵ دی‌ماه نیز کارگروه‌ها و سمینارهای آموزشی برای ۴۰ برگزیده دور اول جشنواره برگزار خواهد شد. اجرای تور یک روزه تهرانگردی از دیگر برنامه‌هایی است که از سوی دبیرخانه جشنواره برای برگزیدگان ترتیب داده شده است.

تبریز	تهران	مشهد	اهواز	بندرعباس	یزد	شیراز	رشت
۶	۱۳	۱۲	۲۲	۲۵	۱۶	۱۵	۱۰
۳	۴	۵	۱۲	۱۶	۸	۶	۷

■ اذان ظهر ۱۱/۵۹ ■ اذان مغرب ۱۷/۱۲ ■ نیمه شب شرعی ۲۳/۱۵ ■ اذان صبح فردا ۵/۳۷ ■ طلوع آفتاب فردا ۷/۰۷